




Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <http://dx.doi.org/10.22067/PG.2024.27105.5>

پژوهشی

حکمرانی چندسطحی؛ بستری برای توسعه دیپلماسی شهری

حسین کشیری (دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران)

hossein.kashiri@gmail.com

حمیدرضا شیرزاد (استادیار اقتصادسیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران. نویسنده مسئول)

hrshirzad@yahoo.com

گارینه کشیشیان سیرکی (استادیار اقتصادسیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران)

g.Keshishyan71@gmail.com

حسن خداوردی (استادیار اقتصادسیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران)

hakhodaverdi@gmail.com

چکیده

حکمرانی چندسطحی مفهومی ذاتا پویا است و به نقض مفروضات ثابت درباره ویژگی‌های اساسی تصمیم‌گیری‌های مقتدرانه دولت‌ها اشاره دارد. ارجاع به حکمرانی چند سطحی، نیروی قدرتمندی در ارزیابی عملکرد دولت در روابط بین‌الملل است که حکمرانی چندسطحی می‌تواند از طریق مکانیزم‌هایی به بین‌المللی شدن شهرها کمک نماید. این جریان زمینه ساز توسعه دیپلماسی شهری می‌گردد. لذا تبیین مکانیزم‌های منتج از حکمرانی چندسطحی که منجر به توسعه دیپلماسی شهری می‌شوند، هدف این تحقیق می‌باشد. روش تحقیق کیفی است و داده‌ها از طریق منابع ثانویه گردآوری شدند. برای جمع آوری مقالات خارجی پایگاه Web of Science استفاده شد و مقالات بر مبنای جستجوی ۴ کلیدواژه و ۵ معیار، انتخاب شدند. پس از حذف موارد تکراری، ۴۱ مقاله خارجی باقی ماند. جستجوی مقالات داخلی بر اساس ۲ کلیدواژه و در میان ۲ گروه تخصصی، در پایگاه SID انجام شد و ۲ مقاله انتخاب شدند. در مجموع ۴۳ مقاله به‌طورکامل مطالعه و به روش تحلیل محتوا، تحلیل گردیدند. نتایج نشان داد که ۲۱ مکانیزم منتج از حکمرانی چندسطحی شناسایی شدند که این مکانیزم‌ها منجر به توسعه دیپلماسی شهری می‌شوند از جمله ترویج

تصمیم‌گیری مشارکتی در سیاستگذاری‌ها، شبکه‌سازی بین‌شهری و ظهور شبکه‌های فراملی، بکارگیری بازیگران اجتماعی در فرآیند اجرا و انعقاد قراردادهای همکاری فرامرزی و تفاهم‌نامه‌های خواهرخواندگی. این مکانیزم‌ها در سه بعد سیاستگذاری‌های حاکمیتی و کلان، شبکه‌سازی بین‌المللی و حوزه اجرایی و عملیاتی تقسیم‌بندی شدند که به ترتیب هر کدام شامل ۱۱، ۵ و ۵ مکانیزم هستند. همچنین ارتباط مکانیزم‌های هر بعد با دیپلماسی شهری ارزیابی گردید.

واژگان کلیدی: حکمرانی چندسطحی، دیپلماسی شهری، مکانیزم.

مقدمه

معرفی مفهوم حکمرانی چندسطحی به اوایل دهه ۱۹۹۰ باز می‌گردد. در آن زمان این مفهوم برای ارائه درک بهتری از فرآیندهای تصمیم‌گیری و مطالعه یکپارچگی منطقه‌ای در اتحادیه اروپا مطرح شد (Piattoni, 2009; Tortola, 2016). منشا این مفهوم بررسی تغییرات حکومتی در اتحادیه اروپا است که این منشا به آن مشروعیت بخشیده است (Budd & Sancino, 2016: 130). از سال ۲۰۰۰، مطالعات آکادمیک در حوزه حکمرانی چندسطحی توسعه‌یافته (Stephenson, 2013: 818) و حکمرانی چندسطحی محبوبیت روزافزونی میان محققان پیدا کرده است (Tortola, 2016: 1).

امروزه حکمرانی چندسطحی، معنای یک چتر مفهومی به خود گرفته که عمدتاً برای توصیف مباحث سیاسی در سطوح مختلف سرزمینی و میان بازیگران نهادی متفاوت استفاده می‌شود (Hawkins et al., 2016: 4). در طول زمان دامنه این مفهوم گسترش یافت و پویایی‌های عمودی به معنای انتقال قدرت به سازمان‌های فراملی و بین‌المللی و نهایتاً فرآیندهای افقی و جانبی به معنای توانمندسازی افراد مستقل و غیر مستقل را نیز در بر گرفت (Hooghe & Marks, 2003). این مفهوم ذاتاً پویا است و به نقض مفروضات ثابت درباره ویژگی‌های اساسی تصمیم‌گیری‌های مقتدرانه دولت‌ها اشاره دارد (Piattoni, 2009: 164). حکمرانی چندسطحی پیشنهاد می‌کند که روش‌های جدیدی از همکاری و حل مناقشه مورد نیاز است (Bache & Flinders, 2004: 32). در مجموع می‌توان عنوان نمود که حکمرانی چندسطحی، یک ابزار بنیادین برای توسعه متوازن است (Portuguese Presidency, 2007: 2).

حکمرانی چندسطحی در زمینه‌های مختلف تحقیقاتی علوم سیاسی و سیاست عمومی نفوذ پیدا کرده (Trein et al., 2019: 7) و برای بکارگیری آن در روابط بین‌الملل نیز تلاش‌هایی انجام شده است (Stephenson,

(822: 2013). ارجاع به حکمرانی چندسطحی، نیروی قدرتمندی در ارزیابی عملکرد دولت در روابط بین‌الملل است (Gualini, 2003: 618).

ظرفیت دولت‌های محلی در حل مسائل و بهره‌گیری از منابع محدود است. حکمرانی چندسطحی به گشودن عرصه‌های بین‌المللی برای شهرها به شیوه‌های جدید و استراتژیک کمک می‌نماید (Pierre, 2017: 3). فضای ایجاد شده هم رقابتی و هم مشارکتی است که این مشارکت می‌تواند منجر به ارتقا ظرفیت، کاهش عدم اطمینان و بین‌المللی شدن شهرها گردد (Pierre, 2013; Hawkins et al., 2016).

بین‌المللی شدن شهرها، شهرها را به یکی از بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل تبدیل نموده و زمینه ساز مفهوم دیپلماسی شهری گردیده است. دیپلماسی شهری بخشی از دیپلماسی عمومی کشورهای پیشرفته و مردم سالار است. در دیپلماسی شهری، مدیران کلانشهرها در راستای استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های بین‌المللی وارد عرصه تعاملات میان شهری در مقیاس جهانی می‌شوند. این نوع دیپلماسی به شهرها کمک می‌کند تا بتوانند از طریق گفتگو، مصالحه و مذاکره، راه‌های همکاری بین‌المللی شهر با شهر را فراهم کنند و ضمن دستیابی به منافع محلی، محیطی آرام و صلح آمیز را برای کشور نیز فراهم کنند. بنابراین، دیپلماسی شهری مفهومی بیش از یک رابطه نمادین یا مبادله فرهنگی است و نشان دهنده بلوغ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حکومت‌های محلی می‌باشد که باعث شکل‌گیری شبکه‌های شهری همکار می‌گردد (Zarghani et al., 2014; Saeed et al., 2022).

در الگوی شکل گرفته، دسترسی به اطلاعات و کانال‌های ارتباطی در انحصار سطوح خاصی از دولت نیست، الگوهای نوآورانه تعامل میان بازیگران در سطوح مختلف ایجاد می‌شود و کنترل دولت مرکزی بر حوزه‌های اصلی تصمیم‌گیری محدود می‌گردد (Hooghe & Marks, 2001: 28). بنابراین حکمرانی چندسطحی می‌تواند در حوزه‌های سیاستی هر کشور در مقیاس‌های مختلفی سرزمینی از جمله شهری به کار رود و منجر به توسعه دیپلماسی شهری گردد (Alcantara et al., 2015: 11).

از سوی دیگر، علی‌رغم تمامی مزایای ناشی از حکمرانی چند سطحی، جذابیت گسترده آن، نگرانی‌هایی نیز ایجاد کرده است (Bache & Flinders, 2004: 4). ترتیبات نهادی حکمرانی چندسطحی قطعاً منجر به حل موفق مشکلات نمی‌شوند و حتی می‌توانند مشکلات جدیدی را نیز ایجاد نمایند (Maggetti & Trein, 2018: 355). بنابراین بررسی این مفهوم و تبیین مکانیزم‌ها و نتایج منتج از آن، می‌تواند مناقشات را کاهش دهد. لذا هدف این تحقیق عبارت است از تبیین مکانیزم‌های منتج از حکمرانی چندسطحی که منجر به توسعه دیپلماسی شهری می‌شوند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف جز تحقیقات بنیادی است. هدف در تحقیقات بنیادی، افزودن به مجموعه دانش در یک زمینه خاص است (Saramad et al., 2012: 79). از نظر روش، جز تحقیقات کیفی است. روش کیفی در زمان مطالعه عمیق یک موضوع، بهترین گزینه است (Myers, 2015: 28).

داده‌ها از طریق منابع ثانویه گردآوری شدند. در جمع آوری مطالعات خارجی، پایگاه Web of Science مورد استفاده قرار گرفت. این پایگاه به دلیل گستردگی موضوعات علمی، عمق زمانی مطالعات و تعداد استنادها برای جستجوی مقالات انتخاب شد. با استفاده از کلمات کلیدی زیر فرآیند جستجو انجام شد:

“Multilevel governance”; “structure of multilevel governance”; “process of multilevel governance”; “effects of multilevel governance”

با توجه به شروع مطالعات آکادمیک در حوزه حکمرانی چندسطحی از سال ۲۰۰۰، بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ انتخاب شد. انتخاب مطالعات خارجی بر مبنای ۵ معیار انجام گرفت که در شکل ۱ فرآیند انتخاب مطالعات خارجی نشان داده شده است.



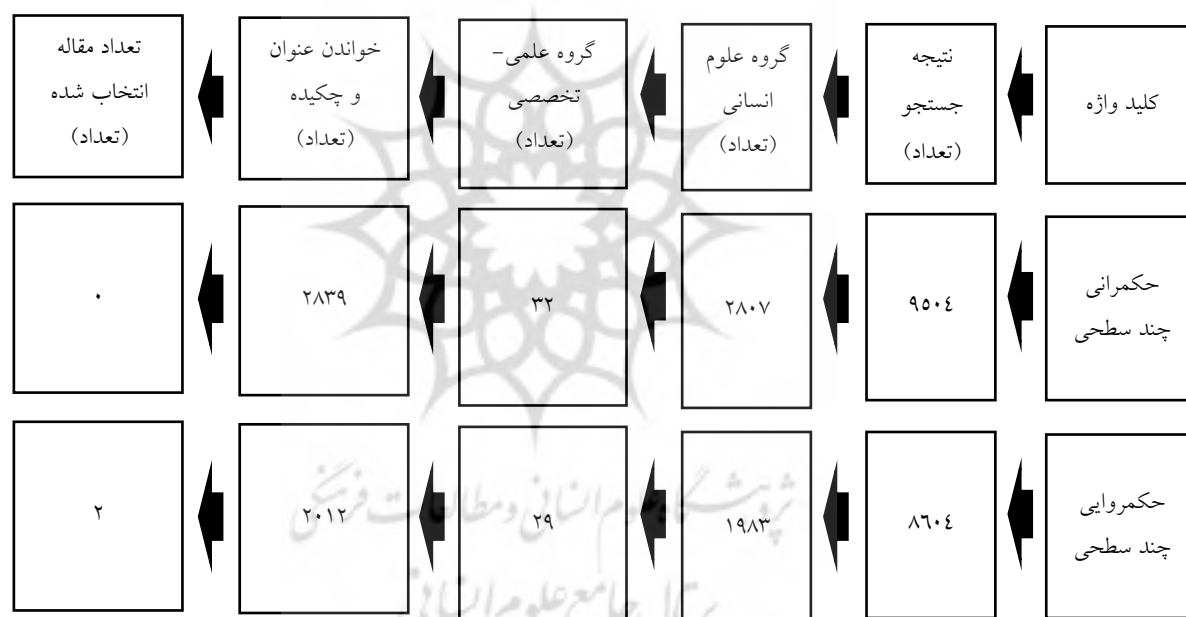
شکل ۱: فرآیند انتخاب مطالعات خارجی (Authors)

تصمیم برای شامل شدن یا خارج شدن مقالات مشارکتی بود. پس از حذف ورودی‌های تکراری از پایگاه داده، ۴۱ مقاله خارجی باقی ماند.

در جمع‌آوری مطالعات داخلی، پایگاه SID مورد استفاده قرار گرفت. این پایگاه، تنها بانک اطلاعات علمی کشور با دسترسی آزاد است. همچنین در این پایگاه، مقاله‌های نشریات علمی سازمان‌ها و مراکز علمی کشور نمایه‌سازی می‌شود. فرآیند جستجو با استفاده از کلمات کلیدی زیر انجام شد:

"حکمرانی چند سطحی"؛ "حکروایی چند سطحی"

با توجه به، به روز بودن مطالعات بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ انتخاب شد. همچنین در میان گروه‌های تخصصی درج شده در پایگاه، گروه‌های علوم انسانی و علمی-تخصصی انتخاب گردیدند. در شکل ۲ فرآیند انتخاب مطالعات داخلی نشان داده شده است.



شکل ۲: فرآیند انتخاب مطالعات داخلی (Authors)

در جستجوی کلید واژه ی حکمرانی چند سطحی، مشخص گردید که عمده مقالات تدوین شده بر حوزه حکمرانی خوب، حکمرانی مطلوب، حکمرانی شایسته، حکمرانی جهانی و حکمرانی مشارکتی متمرکز بودند. همچنین در جستجوی حکروایی چند سطحی، حوزه مطالعات انجام شده عبارت بودند از: حکروایی محلی، حکروایی روستایی، حکروایی هوشمند و حکروایی شهری.

در پایان مقالات جمع آوری شده (۴۳ مقاله) بطور کامل مطالعه شدند و به روش تحلیل محتوا، مقالات تحلیل گردیدند. تحلیل محتوا، در زمانی که معنای متن صریح و روشن باشد، مفیدترین رویکرد است و روشی کارآمد در ارزیابی و طبقه بندی محتوایی منابع می باشد (Myers, 2015: 242).

پیشینه پژوهش

بررسی مطالعات نشان داد که اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن، زمین بازی اصلی برای توسعه مفاهیم و کاربردهای حکمرانی چندسطحی هستند (Bache & Flinders, 2015). پس از اروپا، ادبیات حکمرانی چندسطحی در میان پژوهشگران آمریکای شمالی رواج یافته است (Alcantara et al., 2015: 2). در مجموع مطالعات حکمرانی چند سطحی، یک حوزه در حال رشد است (همان) و این مفهوم در حوزه‌های مختلفی از جمله در حل مسائل زیست محیطی، تغییرات اقلیمی (Hawkins et al., 2016; Di Gregorio et al., 2019) و دستیابی به اهداف توسعه پایدار (Fenton & Gustafsson, 2017) نیز به کار رفته است. در جدول ۱، خلاصه‌ای از نتایج مطالعات خارجی مرتبط با حوزه پژوهش نشان داده شده است.

جدول ۱: نتایج مطالعات خارجی (Authors)

ردیف	نویسندگان	خلاصه‌ای از نتایج
۱	Maggetti and Trein, 2018	در این تحقیق از مفهوم حکمرانی چندسطحی برای تدوین یک نظریه پویای سیاستگذاری چندسطحی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که ظرفیت حل مساله و پتانسیل حل مشکل در تنظیمات چندسطحی می‌تواند منجر به تفویض اقتدار سیاسی شود که به نوبه خود ساختار چندسطحی نظام سیاسی را بازسازی می‌کند.
۲	Pierre, 2017	در این تحقیق مزایای ناشی از حکمرانی چندسطحی به عنوان ابزاری برای ظرفیت سازی شهری در گوتنبرگ بررسی شده اند. نتایج تحقیق نشان داد که حکمرانی چندسطحی فضای فراملی مهمی را برای این شهر فراهم کرده است. پیوستن گوتنبرگ به پروژه‌های بین‌المللی، منجر به بهبود دسترسی شهر به شبکه‌های فراملی گردیده که عضویت در این شبکه‌ها، فرصت‌ها و منافع بسیاری را برای شهر به همراه آورده است.
۳	Budd and Sancino, 2016	در این تحقیق ارائه چهارچوبی برای پیشگامی شهری در تنظیمات حکمرانی چندسطحی ارزیابی شده است. همچنین مطالعه‌ای مقایسه‌ای از ایتالیا و بریتانیا نیز انجام گرفته است. نتایج نشان داد که به نظر می‌رسد ایتالیا در طول زمان بازگشتی به سمت تمرکزگرایی و کنترل‌های بیشتر را تجربه می‌کند، در حالیکه بریتانیا در حال تجربه توانمندسازی جوامع محلی است.

۴	Gualini, 2003	در این تحقیق چالش‌های حکمرانی چندسطحی و تضادهای ناشی از عضویت ایتالیا در اتحادیه اروپا بررسی شده است. نتایج نشان داد که در آغاز عضویت در اتحادیه اروپا، نوآوری سیاسی در ایتالیا تقویت شده است.
---	------------------	--

قابل ذکر است که جستجوهای اینترنتی نشان دادند که در مطالعات خارجی، پژوهشی با تمرکز همزمان بر حکمرانی چندسطحی و دیپلماسی شهری تا زمان تدوین مقاله انجام نشده است. لذا می‌توان بر این نکته به عنوان جنبه نوآوری تحقیق حاضر تاکید نمود. همچنین در بررسی پژوهش‌های داخلی نیز دو مقاله با موضوع حکمرانی چندسطحی بدست آمد. این موضوع نوآوری این تحقیق را در حوزه مطالعات داخلی نیز نشان می‌دهد.

صارمی و همکاران (۱۴۰۰) ساختار حکمروایی در ایران را بر اساس نظریه حکمروایی چندسطحی بررسی کردند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران در شاخص شبکه‌ای دارای وضعیت نامطلوب، در شاخص فضای مشارکتی دارای وضعیت تا حدی مطلوب و در شاخص فضای چند بازیگری دارای وضعیت مطلوبی است.

صرافی و نجاتی (۱۳۹۶) به بررسی نظام کارآمد مدیریت منطقه‌ای بر اساس رویکرد نو منطقه گرایی و حکمروایی چندسطحی در منطقه کلان شهری مشهد پرداختند. یافته‌های تحقیق آنها حاکی از آن است که نظام حکمروایی دو سطحی با مشارکت همه کنشگران منطقه‌ای مبتنی بر اصل واگذاری امور به پایین ترین سطح قابل اجرا می‌تواند موجب کارآمدی نظام مدیریت منطقه‌ای در منطقه کلان شهر مشهد شود.

مبانی نظری

حکمرانی چند سطحی

با توسعه نئولیبرالیسم از دهه ۱۹۶۰ میلادی، نقش دولت به عنوان عامل تنظیم کننده اقتصاد مورد سوال قرار گرفت. نئولیبرال‌ها بر عقب راندن مرزهای دولت تاکید دارند. نئولیبرالیسم در چهار حوزه در شکل دهی به سیاست‌ها اثرگذار بوده است از جمله اصلاح امور مالی داخلی کشورها، ایجاد تغییر بنیادین در مداخله دولت در اقتصاد داخلی، وابستگی متقابل بخش خصوصی با نهادهای عمومی و توسعه اقتصاد سیاسی بین‌المللی.

بنابراین نئولیبرالیسم زمینه جهانی شدن را فراهم کرده و از سوی دیگر، گروهی جهانی شدن را مترادف با جهانی شدن بنیان‌های نئولیبرالیسم می‌دانند. شواهد حاکی از آن است که ملزومات اندیشه نئولیبرالیسم،

پروسه جهانی شدن را به گونه‌ای شدت بخشیده که کشورها و دولت‌ها بدون تعامل با یکدیگر قادر به ادامه حیات نیستند (Tohidfam & Taheranizadeh, 2009: 71-74).

تحولات و اثرات ناشی از جهانی شدن در حوزه سیاست، منجر به تغییر شکل سنتی حکومت به سمت حکمرانی گردیده است. این قالب جدید، شامل ساختارهای متعددی است که با یکدیگر تعامل دارند که از آن به عنوان حکمرانی چندسطحی یاد می‌شود. حکمرانی چندسطحی مفهومی است که می‌تواند برای معنا بخشیدن به تعامل میان بازیگران متفاوت در سطوح مختلف به کار رود (Hooghe & Marks, 2003: 236). سطوح مختلف، بدین معنا است که ساختارهای سیاسی به گونه‌ای در هم تنیده اند که برای مذاکره و یافتن راه حل‌های سیاسی مشترک و یادگیری از یکدیگر، نیازمند بازیگران دولتی و غیر دولتی از سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی هستند (Trein et al., 2019: 7).

تعاریف فراوانی از حکمرانی چندسطحی ارائه گردیده اما آنچه در تمام تعاریف مشترک می‌باشد؛ توصیف حکمرانی چندسطحی به عنوان فرآیند بازتخصیص قدرت به دور از دولت مرکزی است (Bache & Flinders, 2004; Enderlein et al., 2010).

پیشگامان حکمرانی چندسطحی، دو نوع آن را تعیین کرده اند. نوع اول بر تعامل بین سطوح دولت متمرکز است که در آن یک دولت چندسطحی مطرح می‌شود. نوع دوم آن، چندسطحی نیست بلکه به فرم‌های پراکنده حکومت اشاره می‌کند. نوع یک، ریشه در مفهوم فدرالیسم دارد که در یک چهارچوب ساختار یافته، قدرت بین دولت مرکزی و تعداد محدودی از دولت‌های محلی به اشتراک گذاشته می‌شود. این نوع لزوماً در دولت‌های ملی وجود ندارد، بلکه می‌تواند به سیستم‌های سیاسی بزرگتر که ویژگی‌های پایه یکسان دارند نیز تعمیم یابد. نوع دوم، دارای ساختار انعطاف پذیرتری است که به صراحت به سمت مشکلات سیاسی خاص معطوف می‌شود (Maggetti & Trein, 2018: 357). به عبارت دیگر، در این نوع، سازمان‌های دولتی قادر به پاسخگویی به مسائل سیاسی نیستند. در نوع دوم، قلمروهای قدرت بایکدیگر همپوشانی دارند و سیاستگذاران به عنوان جوامع معرفت‌شناختی کار می‌کنند که در مورد یک موضوع سیاسی خاص، تخصص و شایستگی دارند (همان).

در هر نوع از حکمرانی چند سطحی، تغییر مرزها مابین بخش‌های دولتی، خصوصی و داوطلبانه و تغییر نقش آنها، جزیی ضروری است. در مجموع Marks استدلال می‌کند که نباید حکمرانی چندسطحی را به عنوان یک نظریه در مورد از بین رفتن دولت دانست (Tortola, 2016: 4). حکمرانی چندسطحی نوع ۱ و ۲ عموماً بطور

همزمان وجود دارند. در حکمرانی نوع یک، نوع دوم گنجانده شده است (Piattoni, 2009: 171). به عبارت دیگر، انواع سیستم‌های حکمرانی چند سطحی، تو در تو هستند (Alcantara et al., 2015: 5). یکی از اجزا ضروری در سیستم حکمرانی چند سطحی، حکومت‌های محلی هستند. حکومت‌های محلی به عنوان واحدهای سیاسی دولتی نیمه مستقل، از طریق حضور در نهادهای بین‌المللی و استفاده از رویکرد نهادگرایی نتولیرال، به بازیگران فعالی در عرصه روابط بین‌الملل تبدیل شده‌اند. تعامل حکومت‌های محلی، مستلزم تغییر الگوهای سنتی ارتباط و نوع جدیدی از دیپلماسی است که به شکل‌گیری مفهوم دیپلماسی شهری منجر می‌گردد (Castells, 2001: 19).

دیپلماسی شهری

دیپلماسی شهری، نتیجه تلفیق دو جریان "شهری شدن" و "جهانی شدن" است. دیپلماسی شهری بر سه دیدگاه کاربردی تاکید دارد: توسعه و بهسازی تعاملات و مناسبات میان شهری، تکیه بر ملت‌ها به جای دولت‌ها و استفاده از قابلیت کلان شهرهای جهان برای توسعه سیاست بین‌شهری (Nejati Hosseini, 2010: 117). وجه مشترک این دیدگاه‌ها عبارت است از: ارتقا جایگاه شهرها در عرصه‌های فراملی، تقویت همکاری‌های جهانی بین شهری و دستیابی به منافع و علایق شهری مشترک همراه با ایجاد فرصت‌های نوین اقتصادی برای شهروندان (Amiri et al., 2022: 137).

با تقویت دیپلماسی شهری به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای مدیریت شهری، زمینه ورود شهرهای مختلف جهان به عرصه فراملی فراهم می‌گردد و با انتخاب شهرها به عنوان بازیگران کلیدی، تمرکززدایی از مدیریت روابط بین‌الملل صورت می‌گیرد. در واقع، سیاست بین‌شهری بین‌المللی، جایگزین سیاست بینا دولت-ملت بین‌المللی می‌شود (Tohidfam & Dalili, 2016: 314).

دیپلماسی شهری به دو دسته، دیپلماسی شهری دو جانبه و دیپلماسی شهری چند جانبه تقسیم می‌شود. دیپلماسی شهری دو جانبه در قالب همکاری‌های بین‌المللی شهر با شهر مصداق پیدا می‌کند که با برقراری یادداشت تفاهم خواهرخواندگی تحقق می‌یابد (Hataminajad & Mehdi, 2010: 61).

دیپلماسی شهری چند جانبه در قالب شکل‌گیری شبکه‌های شهری تعریف می‌شود. نقش آفرینی شهرها در این شبکه‌ها می‌تواند الگویی موفق از تمرکززدایی را در مدیریت روابط بین‌الملل عرضه دارد که بر نقش مسئولان محلی به عنوان بازیگران کلیدی در حل و فصل منازعات بین‌المللی، بازسازی روابط میان ملتی و

میان شهری و بهره‌گیری مناسب از دیپلماسی برای دسترسی به بازارهای جهانی و حفظ منافع بشری تاکید دارد. در دیپلماسی شهری چند جانبه، شهرها صرف نظر از میزان اعتبار و اهمیت شان از حق برابر برای شرکت در مذاکرات برخوردارند (Zarghani et al., 2014: 170).

در هر دو نوع دیپلماسی، فعالان برجسته شامل شهرداران، انجمن‌های شهری، سازمان‌های غیر دولتی، نمایندگان دولت‌های محلی و شهروندان هستند (Zarghani & Eskandaran, 2012: 256). در مجموع در فضای حکمرانی جهانی جدید که مبتنی بر حاکمیت چند سطحی، چندگانه و چند لایه است، مشارکت بازیگرانی از قبیل شهرداری‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در چهارچوب دیپلماسی شهری رو به افزایش است (Tohidfam & Dalili, 2016: 306) و مدیران شهری جهت استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های بین‌المللی وارد عرصه تعاملات بین‌المللی می‌شوند (Saeed et al., 2022: 16).

یافته‌ها و بحث

بر اساس تحلیل محتوای مقالات انتخاب شده، ۲۱ مکانیزم شناسایی شد که منجر به توسعه دیپلماسی شهری می‌شوند. مکانیزم‌های شناسایی شده در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: مکانیزم‌های منتج از حکمرانی چند سطحی (Authors)

ردیف	مکانیزم	منبع
۱	بازتخصیص و تمرکززدایی قدرت	Bache and Flinders, 2004; Skelcher, 2005; Piattoni, 2009; Enderlein et al., 2010; Maggetti and Trein, 2018; Trein et al., 2019
۲	شفاف سازی در تدوین سیاست‌ها	Stephenson, 2013
۳	ترویج تصمیم‌گیری مشارکتی در سیاستگذاری‌ها	Marks et al., 1996; Stephenson, 2013; Alcantara et al., 2015; Dale et al., 2018
۴	بهره‌گیری از پتانسیل اقلیت‌های قومی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی	Amoretti and Bermeo, 2004; Brancati, 2008
۵	دسترسی به منابع چندگانه و مدیریت تضادها	Stilwell and Troy, 2000; Gualini, 2003
۶	فراهم سازی فضاهای فراملی و عضویت در سایر موسسات فراملی	Pierre, 2017

Bache and Flinders, 2004; Piattoni, 2009; Bulkeley et al., 2003; Maggetti and Trein, 2018	شبکه‌سازی بین‌شهری و ظهور شبکه‌های فراملی	۷
Gualini, 2003; Stephenson, 2013	انحصار زدایی در روابط بین‌الملل و قدرت بخشی به بازیگران داخلی	۸
Peters and Pierre, 2004; Tortola, 2016	بکارگیری بازیگران اجتماعی (عمدتا سازمان‌های غیردولتی) در فرآیند اجرا	۹
Hawkins et al., 2016; Maggetti and Trein, 2018; Trein et al., 2019	ظرفیت سازی در حل مشکلات	۱۰
Alcantara et al., 2015; Maggetti and Trein, 2018	تفویض اختیارات سیاسی و توانمندسازی سطوح زیرملی	۱۱
Hooghe and Marks, 2001	محدود سازی کنترل دولت مرکزی و به اشتراک گذاری اختیارات در سطوح مختلف سرزمین	۱۲
Gualini, 2001	تقویت چهارچوب‌های نظارتی	۱۳
Piattoni, 2009	تخصیص صلاحیت‌ها و حفاظت از روابط بین‌المللی مقامات ملی و سازمان‌های جامعه مدنی	۱۴
Dale et al., 2018	توجه به شکاف‌های اجرایی در سطوح محلی	۱۵
Stephenson, 2013	افزایش بهره‌وری و پاسخگویی	۱۶
Piattoni, 2009; Hooghe and Marks, 2010; Stephenson, 2013; Alcantara et al., 2015	شکل‌گیری ارتباطات میان بازیگران سیاسی در سطوح مختلف داخلی و ارتقا تعاملات	۱۷
Maggetti and Trein, 2018	ارتقا نوآوری در سیاست گذاری	۱۸
Gualini, 2003	تقویت ظرفیت مذاکره و گفت‌وگو در سطوح فراملی	۱۹
Stephenson, 2013	تغییر فرهنگ سیاسی و رفتار سازمانی	۲۰
Piattoni, 2009; Pierre, 2017	انعقاد قراردادهای همکاری فرامرزی و تفاهم‌نامه‌های خواهرخواندگی	۲۱

با توجه به نظرسنجی از صاحب‌نظران، این مکانیزم‌ها در سه بعد تقسیم بندی شدند از جمله سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی و کلان، شبکه‌سازی بین‌المللی، حوزه اجرایی و عملیاتی. نحوه ارتباط آنها با دیپلماسی شهری در شکل ۳ نشان داده شده است.

شکل ۳: ارتباط مکانیزم‌های منتج از حکمرانی چندسطحی با دیپلماسی شهری (Authors)



همانگونه که از شکل ۳ مشخص است، نمی‌توان میان ابعاد مرزبندی کاملی قائل شد. به عبارت دیگر، شاخص‌های (مکانیزم‌های) هر بعد دارای ارتباط متقابل با یکدیگر هستند، بر یکدیگر اثر می‌گذارند و از یکدیگر اثر می‌پذیرند. به عنوان مثال، شکل‌گیری ارتباطات میان بازیگران سیاسی در سطوح مختلف داخلی و ارتقا تعاملات (از بعد سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی و کلان) زمینه شبکه‌سازی بین شهری (از بعد شبکه‌سازی

بین‌المللی) را فراهم می‌آورد که در مجموع منجر به ارتقا بهره‌وری و پاسخگویی (از بعد حوزه اجرایی و عملیاتی) می‌شوند. لذا در تفسیر روابط می‌بایست به ارتباط مابین شاخص‌ها توجه شود. قابل ذکر است که پیاده‌سازی ابعاد و عوامل آنها، با چالش‌هایی همراه است. در بعد سیاستگذاری حاکمیتی و کلان، نمی‌توان بطور دقیق مشخص نمود که در چه زمانی و چگونه، بازتخصیص و تمرکز زدایی قدرت اتفاق می‌افتد (Marks et al., 1996). همچنین برای بکارگیری گروه‌های غیردولتی نیز دولت با چالش‌هایی مواجه است از جمله مشروعیت بخشی آنها، اشتراک گذاری قدرت و تخصیص صلاحیت (Gualini, 2003: 619). موارد مذکور به تبع چالش‌های سیاسی ایجاد می‌کند (Maggetti and Trein, 2018: 359). در مجموع می‌بایست توجه نمود که حکمرانی چند سطحی، نظریه از بین رفتن دولت نیست (Tortola, 2016: 3). در حوزه مشارکت نیز مشکلاتی مطرح است از جمله پذیرش مشارکت همچون یکی از حقوق بنیادین بشری از سوی دولت و سپس چگونگی پیاده‌سازی و تعمیم آن در چهارچوب‌های حقوقی-سیاسی مقبول عموم (Tamizkar Mostaghim and Abbasi, 2016: 151).

در ادامه هر بعد و ارتباط آن با دیپلماسی شهری به تفکیک توضیح داده می‌شود.

۱. سیاستگذاری‌های حاکمیتی و کلان و دیپلماسی شهری

در این بعد ۱۱ شاخص (مکانیزم) تعریف شده است.

بازتخصیص قدرت، ویژگی مشترک در تمامی تعاریف حکمرانی چندسطحی است. در هر دو نوع حکمرانی چندسطحی به باز تخصیص قدرت تاکید شده است (Maggetti and Trein, 2018: 358). بازتخصیص قدرت و تمرکززدایی در مدیریت روابط بین‌الملل و نقش آفرینی شهرها و مقامات محلی در عرصه بین‌المللی، یکی از گام‌های اصلی در شکل‌گیری دیپلماسی شهری است (Basirat and Jalili, 2014: 55). در عصر جهانی شدن، شهرها و نهادهای شهری، به عنوان بازیگران سیاسی ظاهر شده‌اند که به جمع بازیگران بین‌الملل افزوده شده‌اند (Jerrems, 2020: 4; Zarghani et al., 2014: 164). به عبارت دیگر، با توجه به کم‌رنگ شدن مرزها، حدود و اختیارات دولت‌های مرکزی در حال کاهش و کارکرد حکومت‌های محلی در حال افزایش است (Dehshiri, 2014: 1). این تحول، وضعیت جدیدی را در روابط بین‌الملل ایجاد کرده و فرصت‌های متقابلی را پیش روی بازیگران دولتی و غیر دولتی نهاده است (Tohidfam and Dalili, 2016: 303).

اگر چه این امر چالش‌هایی را برای دولت مرکزی ایجاد می‌نماید (Piattoni, 2009: 173) اما اختیارات میان سطوح مختلف سرزمین به اشتراک گذاشته می‌شود که منجر به تقویت ظرفیت مذاکره و تعامل و همچنین مدیریت تضادها و منافع میان بازیگران می‌گردد (Gualini, 2003; Stilwell and Troy, 2000). تعامل در مورد چالش‌های مشترک و فرصت‌های موجود، ابزاری در اختیار حکومت‌های محلی و انجمن‌های وابسته به آنها است. در دیپلماسی شهری، راه همکاری‌های بین‌المللی شهر با شهر فراهم شده و زمینه ایجاد محیطی آرام و صلح آمیز برای شهروندان مهیا می‌شود. بدون تعامل هیچ شهری قادر به رفع مسائل و مشکلات خود نیست (Asadi, 2021: 107). شهرداری‌ها به عنوان متولیان اصلی دیپلماسی شهری، می‌توانند در جهت دستیابی به حداکثر منافع در روابط دیپلماتیک، ارتقا تعامل‌های بین‌المللی، حل مسائل شهری و توسعه اقتصادی شهر، نقش موثری را محقق سازند (Goodarzi and Sabagh Kalateh Hosseini, 2017: 69).

در دیدگاه حاکمیت چند سطحی، تصمیم‌گیری به جای اینکه تحت کنترل کامل مدیران دولتی باشد، توسط بازیگران در سطوح مختلف به اشتراک گذاشته می‌شود. فرآیند تصمیم‌گیری بر وابستگی متقابل، کارکردهای مکمل و همپوشانی شایستگی‌ها مبتنی است (Marks et al., 1996)، به گونه‌ای که بر حضور اقلیت‌های قومی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نیز تاکید شده است (Brancati, 2008). این مشارکت، عدم اطمینان را کاهش می‌دهد (Hawkins et al., 2016: 5). مشارکت حداکثری، گذرگاهی مثبت برای ارکان نظام مدیریت شهری است که می‌توانند از طریق ابزار دیپلماسی شهری، سهم و میزان مشارکت خود را در حکمرانی محلی افزایش دهند (Basirat and Jalili, 2014: 54). این جریان، شفاف سازی و نوآوری در سیاستگذاری را نیز در پی دارد که برای مواجهه با چالش‌های سیاسی جدید ضروری است (Maggetti and Trein, 2018: 357).

نوآوری، همواره بخش اصلی رقابت و همکاری در دیپلماسی شهری است (Leijten, 2019: 4).

در حکمرانی چند سطحی، از طریق در هم تنیدگی فعالیت‌های سیاسی، وابستگی متقابل ایجاد می‌شود (Stephenson, 2013: 817) که ورود بازیگران جدید در قالب دیپلماسی شهری، نقش مهمی در بهبود و افزایش مناسبات سازنده اقتصادی، فرهنگی و هنری ایفا می‌نماید (Zarghani et al., 2014: 165). حضور بازیگران و نقش آفرینی آنها در مسائل سیاسی بین‌المللی و مشارکت در توسعه، از دلایل مهم دیگری هستند که شرکت در فعالیت‌های دیپلماسی شهری را قابل توجه می‌سازد و مقامات محلی، بازیگران کلیدی، تعاملات بین‌المللی محسوب می‌شوند (Zarghani and Eskandaran, 2014: 6).

۲. شبکه‌سازی بین‌المللی و دیپلماسی شهری

در این بعد ۵ شاخص (مکانیزم) تعریف شده است.

حکمرانی چندسطحی فضاهای فراملی مهمی را برای شهرها در حوزه‌های سیاسی و دانش ایجاد کرده و منجر به گشودن عرصه‌های بین‌المللی برای شهرها به شیوه‌های جدید و استراتژیک گردیده است از جمله مشارکت در بازارهای صادراتی و پیوستن به سازمان‌های رسمی و فراملی (Pierre, 2017: 3). در این بستر، حکومت‌های محلی در مقیاس بین‌المللی، معمولاً موافقت‌نامه‌هایی امضا و اعلامیه‌های سیاسی صادر می‌کنند که در نهایت هدفشان، رفاه شهروندان محلی است (Ghourchi et al., 2022: 53). جدا نمودن روابط بین‌الملل و مفهوم دیپلماسی از یکدیگر غیر ممکن است. دولت‌ها با گسترش سازمان‌های بین‌المللی، می‌توانند در حل مشکلات جهانی موثرتر باشند (Mohammadian and Rezaei, 2016: 117). بحث در مورد منافع جهانی، بخشی از دیپلماسی شهری است (Ghourchi et al., 2022: 53). مدیران شهری می‌توانند به جذب گردشگر، تاسیس دفاتر نمایندگی شرکت‌های خارجی، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و برگزاری رویدادهای بین‌المللی در شهرهای خود اقدام نمایند و با صدور خدمات و دانش وارد توافق با سایر شهرها شوند (Bagheri et al., 2016: 88).

در حکمرانی چندسطحی انواع مختلف بازیگران، سطوح مختلف را به یکدیگر مرتبط می‌کنند و شبکه‌های سیاسی شکل می‌گیرند. به عبارت دیگر حکمرانی چندسطحی و شبکه‌سازی با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. فضای ایجاد شده برای شهرها هم رقابتی و هم مبتنی بر همکاری است (Bulkeley et al., 2003). شبکه‌های شهری، حضور فزاینده‌ای در عرصه بین‌المللی دارند و در حال تبدیل شدن به پدیده‌ای متداول هستند (Acuto et al., 2016: 3). این شبکه‌ها به عنوان پلتفرم مهمی برای فعالان شهری عمل می‌کنند تا از طریق آنها، حمایت لازم را برای ایجاد یا گسترش توانایی‌ها و پروژه‌های خود دریافت کنند (Wu, 2020: 21).

همچنین، ارتباط متقابلی مابین شکل‌گیری شبکه‌های شهری و دیپلماسی شهری چند جانبه وجود دارد. این نوع شبکه‌ها، نشان دهنده بلوغ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حکومت‌های محلی در ایجاد و بکارگیری این نوع دیپلماسی در روابط بین‌شهری هستند. آنچه باعث شکل‌گیری این نوع از دیپلماسی شهری می‌شود، بحران‌ها و مشکلات مشترک بین چند شهر نزدیک و یا گاهی در نقاط مختلف دنیا است (Saeed et al., 2022: 19). با تقویت دیپلماسی شهری، به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای مدیریت شهری، زمینه ورود شهرهای مختلف به عرصه‌های فراملی فراهم می‌گردد. با پیوستن به شبکه‌های فراملی، هویت شهری در

سطوح مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی به نمایش گذاشته می‌شود، تعاملات فرامرزی ارتقا می‌یابد و برندینگ شهری نیز توسعه پیدا می‌کند (Zarghampour Boyerahmadi Ahmadi et al., 2021; Amiri et al., 2022). در حکمرانی چندسطحی با گسترش مبادلات فرهنگی، زمینه برای انعقاد قراردادهای همکاری فرامرزی و تفاهم نامه‌های خواهر خواندگی فراهم می‌شود (Piattoni, 2009: 173). خواهر خواندگی شهری تحت ایدئولوژی نئولیبرالیسم مطرح شد که فرآیندی از پایین به بالا است. خواهر خواندگی شهری، نمادی از دیپلماسی شهری است که در زمینه پیوند میان دو شهری که دارای تشابهات و وجوه مشترک خاصی هستند، بکار برده می‌شود (Gholipour et al., 2018; Ghourchi et al., 2022). پیمان خواهر خواندگی، ظرفیت لازم را برای مشارکت شهرها فراهم می‌کند که این امر باعث توسعه پایدار شهرهای مورد نظر می‌گردد (Zahrani and Rajaei, 2020: 12). در حقیقت دیپلماسی شهری به عنوان ابزار حکومت‌های محلی و انجمن‌های آن، به ارتقا انسجام اجتماعی و حل تعارضات می‌پردازد و از این طریق به رشد و فعالیت حکومت‌های محلی در عرصه بین‌المللی و در عصر جهانی شدن کمک می‌کند (Ghourchi et al., 2022: 57).

۳. حوزه اجرایی و عملیاتی و دیپلماسی شهری

در این بعد ۵ شاخص (مکانیزم) تعریف شده است. سازمان‌های غیر دولتی بخش مهمی از حکمرانی چندسطحی هستند که می‌توان از تخصص آنها در اجرا و حل مشکلات بهره گرفت (Hawkins et al., 2016: 5). یکی از مفاهیمی که در زیر چتر حکمرانی چندسطحی قرار دارد، تفویض اختیارات سیاسی به این سازمان‌ها است (Maggetti and Trein, 2018: 364). که بطور رسمی بخشی از چهارچوب دولت نیستند (Peters and Pierre, 2004: 77). سازمان‌های غیر دولتی در عصر جهانی شدن، به عنوان بازیگرانی فعال وارد عرصه بین‌المللی شده‌اند. رشد بی سابقه این گونه سازمان‌ها در دهه‌های اخیر سبب شده است که به بازیگرانی قدرتمند در عرصه ملی و بین‌المللی تبدیل شوند (Beidollahkhani and Hosseini, 2021: 642). سازمان‌های غیر دولتی از قبیل شهرداری‌ها، از بازیگران اصلی دیپلماسی شهری محسوب می‌شوند. شهرداری‌های می‌توانند با بهره‌گیری از دیپلماسی شهری، به ارتقا تعاملات و کسب تجارب موفق پرداخته که رشد اقتصادی نواحی شهری، حقوق شهروندی و رفاه عمومی را در پی دارد (Faraji et al., 2021: 31). مسائل مشترک شهرهای امروزی، ایجاب می‌کند که مدیران شهری

تجارب خود را به اشتراک بگذارند (Ranjesh and Geramian, 2022: 98) تا آسیب پذیری آنها در برابر چالش‌های جهانی کاهش یابد (Acuto et al., 2018: 9).

ظرفیت سازی و تقویت اقدام جمعی و اجراء از نتایج حکمرانی چندسطحی هستند (Maggetti and Trein, 2018: 364) که منجر به افزایش بهره وری عملکرد و پاسخگویی می‌شوند (Stephenson, 2013: 828). بر مبنای بررسی‌های انجام شده، شهرها نقش مهمی در توسعه و رشد اقتصاد ملی بازی می‌کنند. این مهم در سایه بهره‌گیری صحیح از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود و مواردی ظرفیت سازی صورت می‌پذیرد (Faraji et al., 2021: 29). از سوی دیگر ابزاری مناسب برای سیاستگذاری شهری، ترتیبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دیپلماسی شهری است که به مدیریت شهری به منظور کنترل تضادها و رسیدن به علایق و منافع شهری کمک می‌کند (Nejati Hosseini, 2011: 119). دیپلماسی شهری، نه تنها مسائل اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود بلکه به حوزه پایداری محیطی نیز توجه می‌کند (Muluk et al., 2021: 690).

در نخستین کنفرانس جهانی دیپلماسی شهری در شهر لاهه (۲۰۰۸)، تامین نیاز نواحی شهری هدف اصلی دیپلماسی شهری اعلام گردید (Faraji et al., 2021: 31). شش رویه دیپلماسی شهری در حوزه اجرا و حل مشکلات شهری عبارتند از: امنیت شهری، توسعه شهری، اقتصاد شهری، شبکه شهری، نمایندگی شهری و فرهنگ شهری (Nejati Hosseini, 2011: 127). در مجموع شهرها در ارتباط با ابتکارات صلح آمیز، هماهنگی‌های بین شهری و پروژه‌های عملیاتی به دیپلماسی شهری نیاز دارند (Özcan, 2023: 1943).

نتیجه گیری

از جذابیت‌های اصلی حکمرانی چند سطحی، به چالش کشیدن رویکردهای سنتی دولت محور است. حکمرانی چندسطحی بر اساس آثار مثبتی که در پی دارد، منجر به توسعه دیپلماسی شهری می‌گردد و زمینه ظهور و توسعه آن را تسهیل می‌کند. دیپلماسی شهری، هنر کاربرد روابط بین‌الملل برای مذاکرات، تعامل، توسعه و بهسازی روابط بین ملت‌ها و مراکز مشکلات و معضلات روابط دولت‌ها است. مدیران کلانشهرها، با استفاده از دیپلماسی شهری، جهت استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های بین‌المللی جهت توسعه، وارد عرصه تعاملات میان شهری در مقیاس جهانی می‌شوند. علی‌رغم آثار مثبت دیپلماسی شهری، بیشتر شهرهای

کشورهای عضو اتحادیه اروپا و کلان شهرهای ایالات متحده از آن استفاده می‌کنند. قابل ذکر است که حکمرانی چندسطحی نیز در این حوزه جغرافیایی متداول است.

در این راستا، بومی سازی حکمرانی چندسطحی می‌تواند به عنوان بخشی از استراتژی بازسازی دولت تعریف شود. همچنین نیاز است که بازیگران در سطوح مختلف، مشروعیت بخشی شوند. از سوی دیگر سطوح با یکدیگر مرتبط هستند، تعامل دارند و در برخی موارد دارای همپوشانی می‌باشند. لذا با توجه به ارتباطات آنها و اثرگذاری و اثرپذیری سطوح و بازیگران از یکدیگر، برای محققین پیشنهاد می‌گردد که با بهره گیری از تفکر سیستمی، ساختار حکمرانی چندسطحی و روابط میان بازیگران را بررسی نمایند. همچنین تدوین مکانیزم‌هایی برای توزیع صلاحیت‌ها و اطمینان از همکاری می‌تواند راهگشا باشد.

کتابنامه

1. Acuto, M., Morissette, M., & Tsouros, A., (2016). City diplomacy: Towards more strategic networking? Learning with WHO healthy cities. *Global Policy*, 8(1): 14-22.
2. Acuto, M., Decramer, H., Kerr, J., Klaus, I., Tabory, S., & Toly, N., (2018). Toward city diplomacy: Assessing capacity in select global cities. *Chicago Council on Global Affairs*.
3. Amiri, M., Khalili, A., & Mofidi Shemirani, S. M., (2022). Conceptual explanation and presentation of urban diplomacy model in urban networks. *Journal of Geographic Urban Planning Research*, 4(10): 135-158 [In Persian]
4. Amoretti, U. M. and Bermeo, N. (2004). *Federalism and territorial cleavages*. Baltimore: John Hopkins University Press.
5. Alcantara, C., Broschek, J., & Nelles, J., (2015). Rethinking multilevel governance as an instance of multilevel politics: A conceptual strategy. *Territory, politics, governance*, 4(1): 33-51.
6. Asadi, R., (2021). Preparing Urban Diplomacy Strategies in Mashhad with an Emphasis on Islamic Countries. *Journal of Geography and Urban Space Development*, 7 (2): 105-123 [In Persian]
7. Bache, I., & Flinders, M., (Eds.). (2004). *Multi-level governance*. Oxford: Oxford University Press.
8. Bache, I., & Flinders, M., (eds). (2015). *Multi-level Governance: Essential Readings*. Cheltenham: Edward Elgar.
9. Bagheri, H., Ibn Al-Ridha, S. M., & Sahraei, F., (2016). Identifying Strategies for Economic Globalization in the Field of City Diplomacy: A Case Study of Tehran Metropolis. *Journal of Urban Economics and Management*, 4(4): 87-106 [In Persian]
10. Basirat, M., & Jalili, S.M., (2014). Analysis of Opportunities and Challenges of Development of City Diplomacy in Tehran Metropolis. *Journal of Fine Arts*, 19(3): 53-66 [In Persian]

11. Beidollahkhani, A., & Hosseini, S.M., (2021). International Non-Governmental Organizations and Tehran's Path to Becoming a Global City. *Journal of Politics*, 51(3): 639-667 [In Persian]
12. Brancati, D., (2008). The origins and strengths of regional parties. *British journal of political science*, 38(1): 135-159.
13. Bulkeley, H., Davies, A., Evans, B., Gibbs, D., Kern, K., & Theobald, K., (2003). Environmental governance and transnational municipal networks in Europe. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 5(3), 235-254.
14. Budd, L., & Sancino, A., (2016). A framework for city leadership in multilevel governance settings: The comparative contexts of Italy and the UK. *Regional Studies, Regional Science*, 3(1): 129-145.
15. Castells, M., (2001). *The Information Age: Economy, Society and Culture, the Power of Identity*. Tehran: Tarh-e-No Publication [In Persian]
16. Dale, A., Burch, S., Robinson, J., & Strashok, C., (2018). Multilevel governance of sustainability transitions in Canada: policy alignment, innovation, and evaluation. *Climate change in cities: Innovations in multi-level governance*, 343-358.
17. Dehshiri, M.R., (2014). Para-diplomacy in Globalization Era: A case Study of Urban Diplomacy. *Journal of Strategic Studies of Public Policy*, 4 (13): 34-54 [In Persian]
18. Di Gregorio, M., Fatorelli, L., Paavola, J., Locatelli, B., Pramova, E., Nurrochmat, D. R., & Kusumadewi, S.D., (2019). Multi-level governance and power in climate change policy networks. *Global environmental change*, 54, 64-77.
19. Enderlein, H., Walti, S., & Zurn, M., (Eds.). (2010). *Handbook on multi-level governance*. Edward Elgar Publishing.
20. Faraji, A., Babaee, H. R., & Rashedi, A., (2021). Analysis of Urban Diplomacy and Development in the Space of Flows by Study on Tehran City. *Urban Sustainable Development Journal*, 2 (2): 29-44 [In Persian]
21. Fenton, P., & Gustafsson, S., (2017). Moving from high-level words to local action—governance for urban sustainability in municipalities. *Current opinion in environmental sustainability*, 26(2): 129-133.
22. Goodarzi, M., & Sabagh Kalateh Hosseini, E., (2017). The Relationship between the City and Diplomacy in the Era of Globalization. *Journal of Strategic Studies of Public Policy*, 7(23): 61-71 [In Persian]
23. Ghourchi, M., Razavian, M.T., & Dastvareh, F., (2022). City Diplomacy and Its Legal Position at the Scale of Local Governments. *Journal of Human Environment Studies*, 1(2): 51-71 [In Persian]
24. Gholipour, Y., Ahmadi Pour, A., Asghari Abkenar, A., & Falah Heydari, F., (2018). The Role of Sister Cities in City Diplomacy Development. In the First Conference on Competitiveness and Future of Urban Transformations, Tehran [In Persian]
25. Gualini, E., (2003). Challenges to multi-level governance: contradictions and conflicts in the Europeanization of Italian regional policy. *Journal of European Public Policy*, 10(4): 616-636.
26. Hataminajad, H., & Mehdi, A., (2010). Investigating the Sister City Relationships in Relation to Globalization Concepts. *Municipalities Journal*, 100(11): 1-6 [In Persian]
27. Hawkins, C.V., Kwon, S. W., & Bae, J., (2016). Balance between local economic development and environmental sustainability: A multi-level governance perspective. *International journal of public administration*, 39(11): 803-811.
28. Hooghe, L., & Marks, G., (2001) *Multi-level Governance and European Integration*. Lanham, MD/Oxford: Rowman & Littlefield.

29. Hooghe, L., & Marks, G., (2003). *Unraveling the Central State, But How? Types of Multi-Level Governance*. IHS Political Science Series: 2003, No. 87.
30. Hooghe, L., Marks, G., (2010). Types of multi-level governance. In: H. Enderlein, S., Wälti, Zürn, M., (eds.) *Types of Multilevel Governance*. Cheltenham: Edward Elgar.
31. Jerrems, A. (2020). Theorising International Urban Politics. *Millennium: Journal of International Studies*, 1-12.
32. Leijten, J., (2019). Innovation policy and international relations: directions for EU diplomacy. *European Journal of Futures Research*, 7(1): 1-21.
33. Maggetti, M., & Trein, P., (2018). Multilevel governance and problem-solving: Towards a dynamic theory of multilevel policy-making?. *Public Administration*, 97(2): 355-369.
34. Marks, G., Hooghe, L., & Blank, K., (1996). European integration from the 1980s: State-centric v. multi-level governance. *JCMS: Journal of Common Market Studies*, 34(3): 341-378.
35. Mohammadian, A., & Rezaei, A., (2016). The Evolution of the Concept of Diplomacy in International Relations. *Iranian Research Letter of International Politics*, 1(5): 105-127 [In Persian]
36. Muluk, M. K., Indaswari, F.V., Wiswayana, W.M., & Yunita, P., (2022). The Role of City Diplomacy for Sustainable Environment: Study Case of River Restoration in Bandung. *KnE Social Sciences*, 690-707.
37. Myers, M.D., (2015). *Qualitative Research in Business and Management*. (Anabestani et al., Trans.). Mashhad: Behnashr Publication [In Persian]
38. Nejati Hosseini, S.M., (2010). Urban Citizenship: From Theory to Urban Policy and Cultural Experience. *Encyclopedia of Social Sciences (Journal of Historical Sociology)*, Tarbiat Modares University [In Persian]
39. Nejati Hosseini, S.M., (2011). Urban Politics and Urban Diplomacy: From Theory to Experience. *Journal of Historical Sociology*, 2(3): 117-142 [In Persian]
40. ÖZCAN, B.A., (2023). The City Diplomacy and Istanbul's Capacity for City Diplomacy. *Kent Akademisi*, 16(3): 1930-1945.
41. Piattoni, S., (2009). Multi-level governance: a historical and conceptual analysis. *European integration*, 31(2): 163-180.
42. Peters, B.G., & Pierre, J., (2004). Multi-level governance and democracy: A Faustian bargain? In I. Bache & M. Flinders (eds), *Multilevel governance*. Oxford: Oxford University Press.
43. Pierre, J., (2013). *Globalization and governance*. Cheltenham, England: Edward Elgar.
44. Pierre, J., (2017). Multilevel governance as a strategy to build capacity in cities: Evidence from Sweden. *Journal of Urban Affairs*, 41(1): 1-15.
45. Portuguese Presidency (2007) First Action Programme adopted under the EU Presidency of Portugal <http://www.eu-territorial-agenda.eu/Reference%20Documents/AP%201%20Anexo.pdf>.
46. Ranjkesh, M.J., & Geramian, S.S., (2022). Mashhad City Diplomatic Potential and its Impact on Iran's Role in Geopolitics of the ECO Region. *Scientific Journal on Culture of Diplomacy Studies*, 1 (1): 93-117 [In Persian]
47. Saeed, P., Hafeznia, M.R., & Ghourchi, M., (2022). The Role of City Diplomacy in International Relations of Cities: A Case Study of Tehran's Urban Management System. *Journal of Sustainable Development of Geographical Environmental*, 6(4)6: 16-30 [In Persian]

48. Saremi, H.R., Farhadimanesh, N., & Khatami, S.M., (2021). Governance Structure in Iran Based on Multilevel Governance Theory. *Journal of Urban Management Studies*, 48(13)48: 13-27 [In Persian]
49. Saramad, Z., Bazaragan, A., & Hajazi, E., (2012). Research Methods in Behavioral Sciences. Tehran: Agah Publishing [In Persian]
50. Sarrafi, M., & Nejati, N., (2017). Multilevel governance of the metropolitan region: applying new regionalism approach (Case study: metropolitan region of Mashhad). *Hoviatshahr (City Identity) Journal*, 31(11): 31-42 [In Persian]
51. Skelcher, C., (2005). Jurisdictional integrity, polycentrism, and the design of democratic governance. *Governance*, 18(1): 89-110.
52. Stephenson, P., (2013). Twenty years of multi-level governance: 'Where does it come from? What is it? Where is it going?'. *Journal of European Public Policy*, 20(6): 817-837.
53. Stilwell, F., & Troy, P., (2000). Multilevel governance and urban development in Australia. *Urban Studies*, 37(5-6): 909-930.
54. Tamizkar Mostaghim, M., & Abbasi, B., (2016). The posed popular political participation challenges to the political system of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Political Science*, 8(29): 151-180
55. Tohidfam, M., & Dalili, Sh., (2016). Globalization of Cities and Localization of Diplomacy: A Case Study of Urban Diplomacy. *Journal of Politics*, 2(46): 303-321 [In Persian]
56. Tohidfam, M. & Taheranizadeh, N., (2009). Neoliberalism and Globalization. *Journal of Law and Politics*, 11(3): 65-86 [In Persian]
57. Tortola, P. D. (2016). Clarifying multilevel governance. *European Journal of Political Research*, 56(2): 234-250.
58. Trein, P., Thomann, E., & Maggetti, M., (2019). Integration, functional differentiation and problem-solving in multilevel governance. *Public Administration*, 97(2): 339-354.
59. Wu, D. Y. (2020). City diplomacy, multilateral networks and the role of Southeast Asia. *Global Strategies*, 14(1), 17-30.
60. Zahrani, M. & Rajaei, A., (2020). International Cooperation Opportunities with a Focus on Sister Cities. *Journal of Knowledge of Political Interpretation*, 3(2): 1-24 [In Persian]
61. Zarghampour Boyerahmadi Ahmadi, A.M., Bigdelirad, V., & Khatibi, M., (2021). Codification of a model for the development of urban diplomacy with regard to globalization capacities (Case study: Tehran). *Quarterly of Geography and Regional Planning*, 3(11)3: 520-534 [In Persian]
62. Zarghani, S.H., & Eskandaran, M., (2012). Global Cities in City Diplomacy and City Geopolitics. Proceedings of the fifth Congress of the Iranian Geopolitics Association [In Persian]
63. Zarghani, S.H., & Eskandaran, M., (2014). The Role and Position of Urban Diplomacy in Good Urban Governance. Proceedings of the seventh Congress of the Iranian Geopolitics Association, February 17-18 [In Persian]
64. Zarghani, S.H., Ranjakesh, M.J., & Eskandaran, M., (2014). City Diplomacy: Analyzing the Role of Cities as New Actors in International Relations. *Urban Regional Studies and Research*, 20(5): 163-182 [In Persian]